

معرفی و نقد کتاب

این واقعیت که پدیده خشونت تاکنون در جامعه ماکتر مورد بررسی قرار گرفته است، می‌طلبد تا برای تدارک آن از سوی محققان داخلی تلاشی پی‌گیر صورت پذیرد. فصلنامه مطالعات راهبردی جهت رفع این کاستی،

اولاً - چندین عنوان کتاب لاتین در این زمینه را انتخاب و معرفی نموده است. لازم به ذکر است که عناوین منتشره در این زمینه بسیار زیاد بوده و در نتیجه صرفاً آثاری برگزیده شده‌اند که اهمیت بیشتری داشته‌اند.

ثانیاً - از میان آثار منتشره به زبان فارسی، کتاب خشونت سیاسی، تألیف آقای دکتر ناصر فکوهی را که در نوع خود قابل توجه می‌نماید، انتخاب و به نقد گذارده است.

امید آن که بدین وسیله زمینه اعمال دقت نظرهای علمی بیش از پیش فراهم آید.

معرفی آثار منتخب در زمینه خشونت

کتابیون رجبی

خشونت به مثابه یک پدیده اجتماعی از سوی تحلیلگران غربی تاکنون مورد توجه بسیار بوده است. به گونه‌ای که رویکردهای مختلف روانشناسانه، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در این موضوع به راحتی می‌توان از یکدیگر تفکیک نمود. تعدد دیدگاهها و رویکردها حجم قابل توجهی از آثار را در این موضوع تولید نموده است که ذکر عناوین و معرفی اجمالی آن، کاری بزرگ و حجیم خواهد بود. بنابراین در ادامه صرفاً به معرفی و بررسی آثاری خواهیم پرداخت که بیشتر مورد توجه محققان بوده‌اند و می‌توانند به عنوان نقطه آغازین در پژوهش پیرامون خشونت، به کار محققان داخلی بیایند.

● Juergensmeyer, Mark, (Editor), *Violence & The Sacred in The Modern World*, Great Britain, Frank Cass and Company Limited, 1992.

● خشونت و تقدس در جهان مدرن

مارک ژورژنسمیری در "خشونت و تقدس در جهان مدرن" با کمک تنی چند از پژوهندگان این حوزه، بحث حساس و مهم جایگاه خشونت در تفکر مذهبی را طرح کرده است. همواره ابراز خشونت در ادیان مختلف شایع بوده است. بعضی از نمادهای مشهور ادیان، مظاهر و تصاویر نمادین نابودی و مرگ را زنده کرده‌اند و جنگهای مذهبی نیز ردی از خون بر تارک تاریخ باقی نهاده‌اند. شهادت حسین (ع) نزد شیعیان، به صلیب کشیدن مسیح در مسیحیت و... نشان می‌دهند که به همان میزان که نبود خشونت در جایگاه اجتماعی ایفای نقش می‌نماید، مظاهر سنتی خشونت نیز به نقش خود عمل می‌کنند و همین مهم، دوسؤال‌را ضروری می‌نماید: (۱) چرا این مظاهر تا این اندازه مهم هستند؟ (۲) رابطه میان خشونت نمادین و نقشهای حقیقی خشونت مذهبی که در سراسر جهان روی می‌دهد چیست؟ از این رهگذر است که سروکار این

کتاب با مذاهب تطبیقی است که خود به نوعی با مراسم، سنن و فرهنگ تطبیقی نیز پیوند می‌خورد. این کتاب از دیدگاههای مدون نظریه‌پرداز قابلی به نام رنه ژرار (René Girard) که درباره نقش اجتماعی خشونت نمادین مذهبی است استفاده کرده و این دیدگاهها نه تنها به ادبیات تطبیقی بلکه به تمام علوم انسانی نیز مربوط می‌گردد. ژرار در کنفرانسی در استرلینگ فارست نیویورک و با حضور بسیاری از پژوهشگران رشته‌های علوم انسانی، نظرات خود را به شکل بحث و گفتگو با حضار مطرح ساخت و درباره کاربری آنها در دنیای امروز سخن گفت.

کتاب حاضر نتیجه گفتگوها و بحثهای این کنفرانس است بدان امید که از نیروهایی که در عصر حاضر باعث ایجاد کشمکش و خشونت می‌شوند، درک درستی به عمل آید و خود این نیروها را نیز سودمند افتاد.

بخش حایز اهمیت این کتاب مضامین (تمهای) ژراری و اختلاف و

اثر تراک نظری با فروید می‌باشد. ژرار نخست به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا اصلاً خشونت تا این اندازه، برای مذهب مهم و ضروری است. مذهب را همچون سازوکارهای برای مهار آن بخش زوایای مشخصی از روابط انسانی می‌داند که فطرتاً خشن هستند. ژرار در اثر تئوریک خود "خشونت و تقدس"، با نظریه پرداز برجسته‌ای چون فروید در پیشگام بودن تئوریهایش رقابت می‌کند. ژرار نیز چون فروید به اساطیر مذهبی ابراز خشونت و مراسم قربانی کردن علاقه‌مند است و آنها را یادآور کارهای خشونت‌آمیز ذاتی و نابی می‌داند که باید کنترل شوند. هم ژرار و هم فروید هر دو معترفند که این رویدادها و واکنشهای نمادین آنها در سنن مذهبی عاملی فراگیر و در همه جا حاضر می‌باشند. درک این سنن و مراسم مذهبی شرط لازم برای درک مفهوم "خود" مذهب است و اگر کسی پرده از آن بردارد، خواهد توانست به پاسخ معمای ناگشوده در اقسام فرهنگها دست یازد. آن چه را که می‌توان از دیگر وجوه مشترک عقاید این دو نظریه‌پرداز دانست، "ایثار" (فداکاری و قربانی شدن) یعنی نخستین گام هر عمل مقدس است. اولین مطلبی که به نظر

برگذارکنندگان مراسم قربانی می‌رسد این است که ناخودآگاه به "قربانی مقدس" می‌اندیشند یعنی چیزی که به ذهن آنان قریب‌تر است. نابودی قربانی به شکل نمادین، از بین رفتن جوانب وجودی آنهاست. آن چه نابود می‌شود، خود نابودی است: احساس خشونت و خصومت، متعاقب تلاشهایی است که برای انجام گرفتن اقدامات خشونت‌آمیز صورت می‌گیرد. این‌گونه احساسات با روابط دوستانه‌ای که جامعه را متحد نگه می‌دارد، متضاد و ناسازگار است؛ در جامعه یکپارچه‌ای که می‌خواهد بقا یابد، باید از بروز احساسات خشونت‌آمیز جلوگیری شود. فروید و ژرار، "ایثار" را که سازوکاری برای جلوگیری از بروز خشونت در روابط داخلی است، عامل مثبتی در روابط اجتماعی می‌دانند. "ایثار" برای طرفداران خود، امکان لازم را فراهم می‌آورد تا احساسات خشونت (موجود در زوایای تاریک شخصیتی) خود را بروز دهند و بدین ترتیب خود را تزکیه نمایند تا جایی که گروهها و جوامع یکپارچه‌ای داشته باشند؛ همچنین ژرار «کارویژه مناسک و نمادهای مذهبی را در تخلیه و تزکیه خشونت» می‌داند. تا بدین جا، ژرار و فروید نقاط

مشترکی داشتند اما از حالا نقطه افتراق آنها با این سؤال شروع می‌شود که این عوامل ویرانگر بر چه چیزی تأکید می‌کنند. فروید در فرضیه معروف خود که از اسطوره ادیپ گرفته شده، خاطر- نشان می‌سازد که غرایز شهوترانی و تجاوز نسبت به شخصیت‌های پدرمآبانه‌ای وجود دارد که در پس‌گرایش به نابودسازی مستترند و اینها همان صفات و خصالی هستند که به طور ناخودآگاه برای دشمن او سپر بلا می‌شوند.

ژرار نظریه فروید را رد می‌کند و علت ریشه‌ای خشونت را در "تمایل محاکات‌آمیز" می‌بیند. وی "تمایل محاکات‌آمیز" را گرایشی می‌داند که از تمایل نوعی مدل تقلیدی تبعیت می‌کند و خطر رقیب شدن برای همان مورد تمایل را به جان می‌خورد. یک شخص نیز می‌تواند تصویر نمادین و ایده‌آلی را از فرد دیگری مجسم سازد. به وجود آمدن چنین تمایزی، رقابت و شاید هم نفرت از دیگری را پدید آورد. به همین دلیل است که ژرار داشتن نمادهای یک رقیب که بتوان با حاکم شدن بر آن، نتیجه آنها را منقلب ساخت، حیاتی می‌داند.

"مرکزیت و اهمیت مراسم قربانی" نه تنها عملکردهای فرهنگی و جامعه‌سازی را که تئوری فروید متضمن

۳۰۹ می‌شود، به ثمر می‌رساند. بلکه اهداف مشخصی (از جمله احساسات رقابت و تجاوز) را نیز برآورده می‌کند. بدون چنین اهمیتی، تمایل محاکات‌آمیز نمی‌تواند کنترل شده باشد و امیال خشونت‌آمیز به جای آن که متوجه قربانیان نمادین شوند، متوجه دشمنانی می‌گردند که سپر بلا خواهند گشت و اگر جامعه‌ای، دیگر قربانی نمادین نداشت تا حس خشونت موجود را در خود برطرف نماید، به قول ژرار، آن جامعه دچار "بحران قربانی" می‌شد.

دو جنبه تئوری ژرار یعنی "قربانی" و "محاکات" که مرتبط نیز می‌نمایند، چنین قابل بررسی هستند: می‌توان از بیشتر آنچه ژرار درباره نقش قربانی در تظاهر نمادین ابراز احساسات خشونت دارد قدردانی کرد بدون آن که قبول کنیم تمایل محاکات‌آمیز، دشمنی است که احساسات (خشونت) را برمی‌انگیزد.

جنبه سوم تئوری ژرار، منحصر به فرد بودن مسیحیت است. این کتاب مواردی از خشونت‌های واقعی مذاهب در عصر حاضر را پیش چشم خواننده قرار داده، مطابق الگوی فوق تحلیل می‌کند؛ عناوین تعدادی از مقالات کتاب عبارتند از:

- آیا خشونت نمادین با خشونت واقعی مرتبط است؟ به قلم: مارک ژور ژنسمری

- خشونت علیه خشونت: بحث تطبیقی در

مورد اسلام، به قلم: مارکک آنسپاچ

- گذشت از جان و ایثار نزد شیعیان لبنان، به

قلم: مارتین کرامر

- متدلوژی گذشت از جان با عنایت به آموزه‌های

مذهبی، (اسلام و یهودیت)، به قلم: سیوان

- آینده خشونت در اسلام: نگرشی به

اندونزی، به قلم: براس لاورنس

- ملاحظات عمومی‌ای چند، در خصوص

مذهب و خشونت، به قلم: دیوید ژوپروت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

● Wiewiorka, Michel, *Making of Terrorism*,
Translated by Pauid Gordon While, Chicago and
London, The University of Chicago Press, 1993.

● اقدام به ترور

تروریسم ترس است و رهایی افراطی. هم اختلاف نظر به وجود می‌آورد و هم بر آن صحنه می‌گذارد. این اصل اولیه‌ای است که میشل ویورکا در کتاب "اقدام به ترور" به آن نظر دارند. به زعم مؤلف، خوفی که تروریسم (Terror) در ما بیدار می‌کند تا حدی بستگی به جهالت ما از ایجادکنندگان آن دارد. از این رو در این اثر به روشنگری در این خصوص همت گمارده شده است. قدرت تروریستها تا هنگامی برقرار است که مردم نسبت به آن آگاهی نداشته باشند، هنگامی که زوایای مختلف عملکرد آنها برای مردم روشن شود، دیگری ترسی نسبت به آن نخواهند داشت.

اغراق رسانه‌های گروهی، سراسیمگی مراکز قدرت، دست خالی بودن پلیس و سرویسهای جاسوسی، دادرسیهای ناعادلانه در مراکز اجرای عدالت و نمایشی انسانی از قربانیان و اقوام آنها، همه و همه به تشدید تصور تروریست، چونان چهره‌ای قدرتمند کمک می‌نماید.

دو نوع رویکرد در برابر تروریسم

موجود است: (۱) در هر جامعه یک شخص می‌تواند از دیدگاه فردی و شخصی (درون‌گرای) خود به تروریسم نگاه کند؛ که در این مورد، تروریسم به تهدیدی کمابیش منطقی و کاملاً تحمل‌ناپذیر تبدیل می‌شود که یکی دیگر از این موارد تهدیدکننده جامعه است. به دلیل تهدید تروریسم، دیگر نمی‌توان از آن فایده‌ای انتظار داشت؛ (۲) سقوط اقتصادی، ناتوانی تشکیل سیاست خارجی یکپارچه، سکوت روشنفکران، جو ناامن و وجود گروههای قومی و مذهبی مربوط به تروریسم و گروههایی که تمایل به بحث درباره تروریسم و یا کاهش آن در جامعه دارند از تبعات تروریسم در جامعه‌اند. تروریسم که به طور فردی و درون‌گرا درباره آن نظر داده می‌شد دیگر به صورت جمعی و برون‌گرا (از دیدگاهی بی‌طرفانه) بدان عنایت می‌شد.

در این کتاب و در تحقیقی که درباره تروریسم به عمل آمده به جایگاه و

تصویر اجتماعی تروریسم توجه کافی مبذول شده است. تروریسم مطلق، عملی است که از لحاظ فردی بسیار هم منطقی می‌نماید که رابطه‌ای است کاملاً یکطرفه با چنین پدیده‌ای که به عنوان وجه مشترک آن را بکار می‌برد.

در مقایسه تروریسم با دموکراسی، دیدگاه تروریسم مطلق با افکار عمومی مغایرت پیدا می‌کند. نظرگاه این کتاب، تلفیقی از هر دو دیدگاه است (مردم، مطلقیت تروریسم). به طور خلاصه باید گفت که عملی را که یک گناهکار با عنوان یک تروریست انجام می‌دهد، از نظر خود توجیه شده و منطقی است، در حالی که جامعه از نوع عمل او به خشونت تعبیر می‌کند. در این تحقیق بس خطرناک، سعی شده تا اسامی کسانی که تمایل به آشکار شدن نامشان نداشته‌اند، همچنان مخفی بماند.

کتاب دارای بیست فصل است که در قالب چهار بخش به صورت زیر

سازماندهی شده‌اند: بخش اول به تحلیل جامعه‌شناختی تروریسم اختصاص دارد که به تناسب، مقولات مهمی چون حرکت‌های اجتماعی، ابعاد روشنفکری مقوله تروریسم، رسانه‌ها و تروریسم، تروریسم زنده، و... را شامل می‌شود. بخش دوم به رویکرد سارکسیستی - لنینیستی اشاره دارد و تروریسم چپ را با اشاره به مصادیقی از حوادث ایتالیا به تحلیل می‌گذارد.

سومین بخش، تحت عنوان "ملت، طبقه و انقلاب" به بررسی گونه‌های بارز ترور اختصاص دارد که از جمله آنها می‌توان جنبش باسکها را نام برد. تحلیل و بررسی نحوه عملکرد گروه‌های جدایی طلب، محور اصلی مقالات پنجگانه این بخش را تشکیل می‌دهد.

آخرین بخش به تروریسم بین‌المللی نظر دارد و در آن مصادیق مهمی چون تحولات فلسطین و لبنان به بحث گذارده شده‌اند.

● Hanle J., Donald, *Terrorism: The Newest Face of War*, Pergamon-Brassey's International Sefense Publishers, Inc., 1989.

● جدیدترین چهره جنگ

هرکجا کلمه "تروریسم" دیده می شود کلمه "جنگ" نیز به همراه آن می آید. این موضوعی است که دونالد جانل در "جدیدترین چهره جنگ" به توضیح آن می پردازد؛ تقریباً پنجاه درصد از این کتاب به توضیح واژه های "جنگ" و "تروریسم" اختصاص یافته است. از آن رو که مکاتب مختلف، نگرشها و دیدگاههای متفاوتی نسبت به جنگ دارند، در غرب نیز نمی توان یک رویکرد مشترک و واحد یافت؛ از این رهگذر است که این کتاب نیز به دنبال یافتن رویکردی یکجانبه برای بررسی جنگ نیست، بلکه ترجیح داده است تا تمام روشها را با هم به کار گیرد تا به نقاط مشترکی دست یابد. در این کتاب از تحقیق درباره جنگ درمی یابیم که فرآیندی پویا مبتنی بر اصولی اساسی است که با گذشتن زمان و مکان تغییر نمی کنند ولی جلوه خارجی آن هم از لحاظ روان شناسی و از لحاظ طرحهای فیزیکی، با گذشت زمان تغییر می کند،

مثلاً با پیشرفت تکنولوژی، نوع جنگ نیز متفاوت می شود. متغیرهای بسیاری وجود دارند که بر جنگ تأثیر می گذارند: (۱) طرف قوی تر در جنگ (۲) متجاوز، (۳) و یا مستأصل ترین طرفین.

در این کتاب آمده است که جنگ با گذشت زمان تکامل پیدا کرده، چراکه از یک فرآیند دیالکتیکی (جدلی) حاصل می شود که در آن شیوه های جدید نبرد در جنگ براساس ابداعات فن آوری، اجتماعی و سازمانی معرفی می شوند که مطمئناً بعد از آن نیز باید منتظر بود تا مبارزان و جنگجویان نیز برای مردن جنگ به مهارتهای جدیدی دست یابند. به کمک همین فرآیند تکمیلی است که می توان توضیح داد چگونه تروریسم به ناگاه یکی از شیوه های مهم جنگ در زمان جنگ هسته ای و مدرن شده است. به زبان ساده، تروریسم یک شیوه منحصر به فرد برای بکارگیری زور و اجبار است. با این تعریف، هفت تقسیم بندی برای تروریسم در این کتاب ذکر شده است: (۱) روان پریش (۲) جنایی

۳) مرموز (۴) انقلابی (۵) سرکوبگر (۶) نظامی (۷) مورد حمایت دولت. تنها سه مورد (انقلابی - نظامی و مورد حمایت دولت) به شکل جنگ هستند. این که چرا تروریسم سرکوبگر مانند تروریسم انقلابی به شکل و قالب یک جنگ نیست بر این دلیل مبتنی است که نوع مقابله و خنثی سازی تروریسم سرکوبگر مانند تروریسم انقلابی نیست تا شکل جنگ به خود بگیرد، که این موضوع در فصل آخر این کتاب بررسی می شود.

این پرسش مطرح شده که با جنگ پنداشتن بعضی از انواع تروریسم، آیا می توان گفت تروریسم نیز مانند جنگ از اصول نامتغیری تشکیل می شود؟ و پاسخ آن نیز آمده است که: بایسته است که با نوعی از تروریسم که به شکل جنگ می باشد، مانند جنگ برخورد شود و شیوه هایی که برای خنثی کردن آن به کار می رود باید مانند همان شیوه هایی باشد که برای خنثی سازی هر تهدید نظامی لازم و ضروری است و اگر نتوان به شیوه مناسب با آن مبارزه کرد، تروریسم منجر به شکست، فاجعه و یا حداقل از دست دادن فرصت مناسب برای کسب پیروزی خواهد شد و تنها از طریق به کارگیری نیروی نظامی و مهلک است که

پیروزی در این نبرد ممکن خواهد شد. اهمیت این کتاب بر عوامل چندی استوار است: (۱) این کتاب شاهی عینی برای این باور شایع به دست می دهد که تروریسم - یا حداقل بعضی از انواع آن - در واقع یک جنگ است. (۲) اگر بتوان واکنشهای مناسب به انواع تروریسمی را که به شکل جنگ هستند، بررسی کرد، هم می توان به طور مؤثرتری با آنها برخورد کرد و هم در موارد لازم آنها را به موقع شناخت. (۳) در حالی که تحقیق بسیار کمی درباره تروریسم نظامی که مخالف پدیده کلی سیاست به شمار می رود انجام شده است لکن از افتخارات این کتاب این است که به تفصیل به بررسی تروریسم نظامی پرداخته است.

کتاب حاوی ده بخش به شرح زیر است:

- ۱- جنگ: زور، قدرت و سیاست
- ۲- زور: عنصر اولیه جنگ
- ۳- اصول جنگ
- ۴- متغیرهای ثابت و متغیرهای جنگها
- ۵- تروریسم
- ۶- تروریسم سیاسی
- ۷- تروریسم انقلابی
- ۸- تروریسم دولتی
- ۹- ضد تروریسم
- ۱۰- جدیدترین چهره جنگ

● Livingstone, Neil, *The Cult of Counter-terrorism*,
Lexington Books, 1990.

● آیین ضد تروریسم

نیل لی وینگستون در "آیین ضد تروریسم"، ضمن بهره بردن از تجربه علمی پیشین خود که به طور مشخص به تحلیل پدیده تروریسم به صورت مصداقی و تئوریک اختصاص دارد و در قالب شش عنوان کتاب سابق برایش منتشر شده است، وینگستون در اثر حاضر به بحث جنجالی ضد تروریسم می پردازد. او در مقدمه کتاب هدف خود را چنین تبیین و بیان می دارد: "کلوپ نیروهای ویژه" در (Special Forces Club) خیابان کاملاً مسکونی بخش کینزبرگ لندن قرار دارد. هیچ چیز غیر عادی درباره آن وجود ندارد، نشانی آن، ساختمان آن و حتی وارد شدن به آن. اما پس از وارد شدن آن چه جلب توجه می کند "فهرست شاهکارهای آنها" است که در تابلوی فعالیتهای اعضای آن نصب شده و نام افرادی که در ماه گذشته کشته شده اند در آن آمده است. این کلوپ، درست پس از پایان جنگ جهانی دوم و به دست او. اس. اس سابق (دفتر اسبق خدمات استراتژیک) و

عاملان مخفی انگلیسی بنیان نهاده شد و هم اکنون ۳۰۰۰ عضو فعال دارد، نمایش عملیتهای ویژه تر از اول غرب، سازمانهای اطلاعاتی (جاسوسی) و ضد تروریستی زیرمجموعه آن هستند. بیشتر اعضای آمریکایی آن، از افسران سابق "او.اس.اس."، "یروی دلثا"، "سیل تیم ۶"، رهبران عملیتهای "سی. آی. دی." (آژانس اطلاعات ایستمر مرکزی) بودند. اعضای انگلیسی آن از "ساس" (سرویس هوایی ویژه) اس. بی. اس. (سرویس قایق رانی ویژه)، و یا از زیرگروههای ضد تروریستی اسکاتلند یارد و یا از اعضای بازنشسته رهبران عملیات آژانس جاسوسی ام. ای. شش. بودند: فرانسه، بلژیک، کانادا، استرالیا و زلاندنو هم از کشورهای عضو این کلوپ به شمار می رفتند.

در اواسط دهه ۱۹۷۰، این کلوپ دچار روزگار سختی گردید و از این رو ملاقات ویژه ای در لندن برای جلوگیری از سقوط آن ترتیب یافت تا دوباره از لحاظ مالی سرپا بماند. کسانی که در این جلسه حضور داشتند، جاسوسان مشهور و

رهبران عملیات ویژه بودند. بیل کیسی (Casey) رهبری این عملیات نجات را در ایالات متحده برعهده داشت. در این کتاب، مؤلف ضمن بیان ادله مستند و جامعی درخصوص پدیده تروریسم، زمینه مناسب جهت طرح مقوله ضدتروریسم را مهیا می‌سازد. در این خصوص با اشاره به پیدایش نخستین گروه ضدتروریست، اظهار می‌دارد که: برای دومین بار پس از جنگ جهانی و در هفته دوم ماه می سال ۱۹۸۸، اعضای باقیمانده تیمهای جدبرگ (Jedburgh) در واشنگتن دی سی قرار ملاقات گذاشتند. اعضای تیمهای جد، واحدهای سه نفره‌ای بودند که پشت خطوط جنگی دشمن در فرانسه اشغالی یا هر جای دیگری در اروپا فرود می‌آمدند تا گروههای مقاومت را سازمان‌دهی و مسلح کنند. هر تیم از یک عضو اس. او. ای (مسئول اجرایی عملیات ویژه انگلیس) یا او. اس. اس. آمریکا یا یک فرد نظامی انگلیسی تشکیل می‌شد. در میان اعضای حاضر در این جلسه، عضو پیشین تیم جد، ویلیام کلبی (Colley)، مدیر اسبق (C.I.A) قرار داشت. ائتلاف مجدد تیمهای جد برگ، آن هم با گذشت چهل سال از زمان جنگ، فقط خاطره‌ای از زمان جنگ بود

تا بدان وسیله تمام واحدهای عملیاتی ویژه در دنیای امروزه غربی (از جمله اعضای ضدتروریستی آنها مثلاً اس. او. ای یا او. اس. اس.) اصل و منشأ آغازین خود در جنگ جهانی دوم را در آن جستجو کنند.

تسلیق این مأموریتها و مقتضیات نظامی و اطلاعات امنیتی (= جاسوسی) امروزه نیز وجود دارد و همان چیزی است که به واحدهای عملیات نظامی ابهت و عظمت می‌بخشد. از زمان جنگ جهانی دوم، چهره کشمکش جهانی را اغلب چیزی پوشانده که از آن با عنوان (لیک) LIC یاد می‌کنند (یا کشمکش با سطح درگیری نه چندان زیاد)؛ در واقع "لیک" همان شرایط محیطی فراهم برای رهبران عملیاتی ویژه امروزی است که بیشتر تمایل دارند در مواقع صلح کار کنند تا مواقع جنگ. به همین خاطر نیز جنگهای استعمارزدایی صورت گرفت که طی آن فرانسه، انگلیس، بلژیک و دیگر قدرتهای اروپایی از نیروهای عملیاتی ویژه به منظور مبارزه با شورشهایی که شکل می‌گرفت و ایجلا موقیعت مناسب برای نهضت‌های آزادیبخش ملی بهره می‌بردند؛ از اینرو، در سالهای اخیر، واحدهای عملیاتی ویژه غربی، در خشونت شایع در

۳۱۷ کلوپ، با فاصله کوتاهی از همدیگر کشته شدند.

هدف نویسنده کتاب این است که خواننده را به دنیای خلوت و گاه هولناک ضدتروریسم ببرد؛ دنیایی که نگاه ناظران بیرونی را برمی تابد و با شیوه‌های سنتی و مراسم خود، متمایز می‌گردد. در پیش چشم خواننده این کتاب، مناطق و مکانهای دیدنی قرار می‌گیرد که پس‌زمینه جنگ بر ضد تروریسم را تشکیل می‌دهند و در نتیجه بخش اعظمی از مطالب ذهنی قومی بسیاری از اشخاص را در این زمینه نشان می‌دهد. این کتاب را می‌توان یکی از جامع‌ترین کتابهای مربوط به موضوع ضدتروریسم دانست که در آن نام افراد، مکانها، مهارتها و فن‌آوریهای مربوط به تروریسم، به شکل نسبتاً کاملی آمده‌اند. فصول دهگانه کتاب عبارتند از:

- ۱- ضدتروریسم چیست؟
- ۲- صنعت ایجاد ترس
- ۳- نگاهی به تجربه و روش آمریکایی در این زمینه
- ۴- فنون عالیه ضدتروریسم
- ۵- به سوی مرگ تروریسم
- ۶- پیشگامان جبهه مبارزه با تروریسم
- ۷- تلاشهای به عمل آمده بر ضد تروریسم
- ۸- کماندوهای مبارز علیه تروریسم
- ۹- انتهای عصر پنهانکاری
- ۱۰- شکار صیاد

کشورهای در حال توسعه، دخالت کرده تا هم از متحدان خود که در شورشها و ناراضیاتیها گرفتار آمده‌اند، پشتیبانی کرده باشند و هم قدرت خود را به نمایش گذاشته باشند. نیروهای عملیاتی ویژه، همواره لبه تیغ تیز کشمکش میان ابرقدرتها بوده‌اند. ولی امروزه، مشخص‌ترین وظیفه نیروهای عملیاتی ویژه، مبارزه با تروریسم است. زمینه "ضدتروریسم" فقط واحدهای کماندویی تراز اول را دربر نمی‌گیرد بلکه شامل دانشگاهیان، نویسندگان، جاسوسان، شرکتهای تجاری، صنعت، رسانه‌ها، سیاستمداران، سیاستگذاران، معماران و مهندسان می‌شود. "کلوپ نیروهای ویژه"، مدل کوچک جامعه عملیاتیهای ویژه است و نقطه مناسبی برای شروع هر کتابی درباره "ضدتروریسم" به شمار می‌رود. عضویت در هر کلوپ را نه می‌توان خرید و نه می‌توان درباره آن بحث کرد، بلکه از طریق مفهوم ناگفته تجربه مشترک که ویژه تمام افرادی است که تجارب و خطرپذیریهای مشترکی دارند، به دست می‌آید. در مبارزاتی که چهره رقیب رودرو آشکار نیست و غالباً جنگ الکترونیک نامیده می‌شود، بسیاری از اعضای

● Wilkinson, Paul (Editor), *British Perspective on Terrorism*, London, George allen and Unwin, 1981.

مشکلات سیاسی بغرنج برای این کشور بود. نیروهای انگلیسی که خود را متولی صلح در مناطق مستعمره می دانستند، در بیشتر این کشورها و در جنگهای خونین برای بازگرداندن نظم و ثبات بر آن کشورها می جنگیدند، به عبارتی به نام صلح، خشونت را دامن می زدند.

درباره تروریسم و نقش بسیار مهم آن در ایجاد ترس و وحشت در کشمکشهای پس از جنگ و به خصوص درباره شرایط استعماری و تجربه تروریستی در انگلستان، مطالب بسیاری می توان گفت از آن جمله: ارتش بریتانیا همچنان زیر عنوان عامل نظم به بروز کشمکش کمک می کند (۲) استفاده از سلاح تروریسم در کشمکش استعماری، مدلی را بنیان گذاشت که به "تروریسم ضد استعماری" معروف گردید و هنوز نیز راهبرد و شعار گروههای موقتی چون ارتش جمهوریخواه ایرلند را تشکیل می دهد.

گروههای بی شماری از جمله ارتش جمهوریخواه ایرلند در برهم زدن آرامش ایرلند شمالی به ویژه در بلفاست غربی نقش داشتند که درصد کشته ها و

● دیدگاه انگلیسی در خصوص تروریسم
ویراستار کتاب "دیدگاه انگلیسی در خصوص تروریسم"، آقای پائول ویلکینسون استاد رشته روابط بین الملل در دانشگاه آبردین (Aberdeen) می باشد. او در مقدمه کتاب و برای یک معرفی کلی از فلسفه وجودی مقالات دهگانه کتاب، چنین آورده است که:

بریتانیای کبیر به خاطر درگیریهای داخلی و خشونت در برابر سلطنت، سرانجام در سال ۱۷۴۵ به انگلستان، اسکاتلند و ویلز تقسیم شد. از نظرگاه بریتانیا، این کشور نه تنها خود، منشأ خشونت و درگیری نبوده بلکه همواره به خاطر درگیریهای کشورهای بی نظم دیگر، دستخوش نااملائی بوده است؛ با این حال فاصله میان آرامش داخلی این کشور و درگیری خارجی همچنان زیاد شد تا این که درگیریهایی در مستعمره های این کشور از جمله کشورهای آسیایی، آفریقایی و خاورمیانه (مانند مالزی، کنیا، قبرس و...) پیش آمد. دلیل این حادثه تصور سردمداران بریتانیایی در اتخاذ و اجرای سیاست خارجه و در نتیجه ایجاد

زخمیهای برجای مانده از این کشمکش، در قیاس با کشورهای بزرگی چون ایالات متحده، رقم بالایی از مردم این کشور را در بر می‌گیرد.

دولت انگلیس خود در حکم "یک کل" از لحاظ نظامی و اقتصادی، از منطقه آشوب‌زده حمایت می‌کند؛ از این‌رو کشورهای غربی و مدافعان انگلستان همیشه از این‌که چرا این کشور توان ارتش خود را صرف امور بی‌نتیجه‌ای می‌کند که منجر به ایجاد بی‌نظمی در کشورهای مثل ایرلند می‌شود، به جای به کار بردن در ذیل پرچم ناتو، گله‌مندند.

از وظایف دیگری که به گمان مؤلف بر عهده دولت انگلیس است، پاسداری از امنیت جانی و مالی دیپلماتهای انگلیسی، عاملان مهم و دیگر شهروندان غیردولتی انگلیسی در برابر حملات تروریستی رویه افزایش بین‌المللی از خارج (و در خارج) می‌باشد. کشورهای غربی، منافع استراتژیکی خاصی دارند که حفظ ثبات در مناطق حیاتی و حساسی مانند جبهه جنوبی ناتو و خلیج فارس از جمله آنهاست؛ بدیهی است که عملکرد سودطلبانه این قدرتها نمی‌تواند بدون پاسخ مقابل گذارده شود.

دو نیروی کارآمد این کشور برای کنترل تروریسم، پلیس ضدتروریست و

۳۱۹ هنگ سرویس هوایی ویژه این کشور (SAS) می‌باشد؛ این هنگ برای رهانیدن اسیران، تربیت شده است. پلیس انگلستان به منظور مبارزه با تروریسم، از شیوه‌های مختلف آموزشی در سازمان خود بهره‌گرفته و در فعالیت ضد تروریستی خود از استانداردهای آموزشی حرفه‌ای برخوردار است (چه در سطح فرماندهی و چه در سطح افسران ویژه جوخه ضدتروریست). آموزش تخصصی در نیروی پلیس همراه با تئوری، نیز عملی و جامع و روزآمد است.

چهار مقاله آغازین این کتاب به ما کمک می‌کند تا مفهوم ریشه‌ها، اهداف و تاکتیکهای ارتش موقت جمهوریخواه ایرلند، مشکلات سیاسی و اجتماعی ایجاد خشونت و واکنش مقامات انگلیسی و جامعه را دریابیم. مقالات پایانی نیز نشان‌دهنده قسمت اصلی کار آکادمیهای انگلستان، در زمینه مشکلات تروریسم بین‌المللی و واکنش بین‌المللی است. در بخش پایانی، خلاصه دقیقی نیز از پیشنهادهای کمابیش جنجال‌برانگیز، آورده شده است تا دولت‌ها و واکنشهای بین‌المللی نسبت به تروریسم، شیوه مناسبی بر طبق دموکراسیهای آزادانه خود پیدا کنند که بدین ترتیب، از بی‌گناهان، حمایت بین‌المللی به عمل آمده باشد.

● Alexander, Yonah and Dennis A.Pluchinsky,
**Europe's Red Terrorists: The Fighting Communist
 Organisations, Great Britain, Frank Cass, 1992.**

که دولتهای اروپایی آنها را هم‌پیمانان "ضدامپریالیستی" گروههای تروریست اروپای غربی قلمداد می‌کردند؛ در اواخر دهه ۱۹۸۰، ایتالیا، بلژیک، فرانسه و پرتغال "سازمانهای کمونیستی در حال جنگ" را در کشورهای خود خنثی کردند. در سال ۱۹۹۲، چهار "سازمان کمونیستی در حال جنگ" در اروپای غربی فعال بودند که از این در (RAF) (17N) قرارند: جناح ارتش سرخ (RAF) آلمان، سازمان انقلابی ۱۷ نوامبر در (GRAPO) یونان، گروههای مقاومت در اسپانیا و (Dev) ضدفاشیستی اول اکتبر (Sol) "جناح چپ" یا دو سول در ترکیه. - فریادها و نواها در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی و تقارن آن با مطرود دانستن احزاب کمونیستی در این کشورها، باعث شده بود تا این تصور پیش آید که "سازمانهای کمونیستی در حال جنگ" نیز از بین خواهند رفت ولی نه تنها چنین نشد بلکه پرچم مارکسیسم و لنینیسم که این سازمانها آن را برافراشته شده بود، در

● تروریست‌های سرخ اروپا: سازمان کمونیست‌های مبارز
 محتوای کتاب تروریست‌های سرخ اروپا: سازمان کمونیست‌های مبارز نگاهی دارد بر تروریسم معاصر، سازمانهای کمونیستی در حال جنگ و جناح ارتش سرخ. تاکتیکهای سازمان انقلابی ۱۷ نوامبر، تاکتیکهای گروههای مقاومت ضد فشار اول اکتبر، عملیات مستقیم، هسته‌های کمونیستی در حال جنگ، گروههای نظامی سرخ (تیپهای ارتش سرخ) و جناح انقلابی چپ‌گرا از دیگر مسائل مطرح شده در این کتاب است. تمامی این مباحث در طی ۲۵۵ صفحه کتاب به تفصیل شرح داده شده است. در مقدمه این کتاب بیان می‌گردد که به دنبال مسئله تروریسم معاصر، این کتاب قصد آن دارد تا به بررسی شاخه خاصی از گروه تروریستی برخیزد که اصولاً در اروپای غربی یافت می‌شود. در این کتاب آمده است، بین سالهای ۱۹۸۴-۵ اعضای فعال این سازمان هفت عضو از شش کشور اروپایی بودند

مقام یک ایدئولوژی انقلابی جذاب و
برافراشته باقی ماند.

چهار سازمان کمونیستی در حال
جنگ نیز همچنان به مواضع و اصول
انقلابی مارکسیسم - لنینیسم چسبیدند.
در مقدمه این کتاب گفته شده، درست
است که براندازی حکومت‌های
دموکراتیک از اهداف "سازمان‌های
کمونیستی در حال جنگ" بوده است که
به آن دست نیافته‌اند لکن با شرایط
سیاسی اجتماعی و اقتصادی در
کشورهای اروپای غربی، این سازمان‌ها
هنوز هم خواهند توانست در آینده‌ای
نزدیک مشکلات امنیتی و سیاسی به
وجود آورند و هدف این کتاب پرداختن
به چگونگی تشکیل این سازمان‌ها در
اروپای غربی یا شرقی نیست بلکه این
کتاب، تنها مجموعه مختصری از مدارک
و اسنادی است که "سازمان‌های
کمونیستی در حال جنگ" اروپایی
نوشته‌اند به طوری که خواننده بتواند
درکی کلی از طرز فکر و نگرش آنها به
دنیای پیرامون بدست دهد. به این
منظور وقایع‌شمارهای متعددی از
حملات تروریستی این سازمان‌ها در
مقدمه این اسناد آمده است که خود،
باور آنها را از تاکتیک‌های ترجیحی و
ممتاز اهداف این گروه‌ها، نشان می‌دهد.

۳۲۱ در این کتاب حتی از اصطلاحات و زبان
تروریستی در بعضی از این اسناد
استفاده شده که ممکن است برای
خواننده آشنا نباشد.

مؤلف در ۹ فصل به شرح زیر فرضیه
فوق را طرح، تبیین و به اثبات رسانده
است:

- ۱- نگاهی مختصر به حیات تروریسم در
جهان معاصر
- ۲- شناسنامه و سازمان کمونیست‌های مبارز
- ۳- جناح ارتش سرخ
- ۴- سازمان انقلابی ۱۷ نوامبر
- ۵- گروه‌های ضدفاشیستی اول اکتبر
- ۶- عملیات مستقیم
- ۷- هسته‌های مبارز کمونیستی
- ۸- بریگارد سرخ
- ۹- چپ انقلابی

● Clutterbuck, Richard, *Living With Terrorism*,
London, Faber & Faber 3 Queen Square, 1975.

● زندگی با تروریسم

در پیش‌گفتار "زندگی با تروریسم" ضمن تأکید بر حضور همه‌جانبه و پدیده ترور آمده است که: تروریسم، ناگزیر در زندگی مردم بی‌گناه و کودکان معصوم امری اجتناب‌ناپذیر شده، قصد این کتاب بر آن نیست که راه فرار از تروریسم را پیش پای خواننده بگذارد بلکه به آنان کمک خواهد کرد تا با آن زندگی کنند. روشهایی که مؤلف برای این منظور به آنها اشاره دارد، بسیار پیچیده و درخور تأمل است، با این حال می‌توان آنها را چنین خلاصه کرد که: گام اول برای زندگی کردن با تروریسم درک آنست و این که چرا و چگونه تروریستها دست به اقدامهای تروریستی می‌زنند و مشکلات و نقاط ضعفشان چیست و بدانیم که شیوه‌های تکنیکی و تاکتیکی موجود برای دفاع در برابر آنها کدام است. در مورد آدم‌ربایی، هواپیماربایی، بمب‌گذاری و ترور، کتابهای اندکی نوشته شده است، به همین خاطر در این کتاب سعی شده تا با بهره‌گیری از منابع موجود و یا گفتگو با نویسندگان این

کتابها، در این موارد، اطلاعاتی به دست داده شود؛ برای مثال دربارهٔ بمب‌گذاری که اکثر افراد مایل به دانستن مطالبی راجع به آن نیستند، چگونگی کار انواع بمبها و فیوزها توضیح داده شده تا به افرادی که احتمال قربانی شدن آنها هست در زمینهٔ شناسایی و اقدام درست در مقابل آن، کمک کند.

در مورد امنیت و تجهیزات مربوط به آن نیز بسیار کم نوشته شده است: از این رو در این کتاب، نظر نویسنده بر این قرار گرفته که ضرورت‌های تمام این موضوعات گردهم آیند. یکی از دلایلی که تروریسم، سمی کشنده به شمار می‌رود، این است که درمان آن همان قدر به جامعه ضرر می‌زند که مرض آن. به کار بردن تعبیر زندگی با تروریسم، برای آنست که مردم بدانند چگونه در برابر تروریسم از خود دفاع کنند. تروریسم در شکل اغراق‌آمیز آن به صورت عذری برای توجیه اقدامات ظالمانه حکومتها که می‌خواهند برای حفظ وضع موجود، مردم خود را تحت کنترل درآورند، درآمده است. در تأیید

برای توسل به روشهای تروریستی اختصاص دارد و مؤلف طی پنج فصل مجزا به علل و انگیزه‌های متنوعی از قبیل مطالبات مالی با تأکید بر حوادث رخ داده در برزیل، کانادا، ترکیه، مکزیک، آمریکا، انگلستان و مجارستان، انگیزه‌های تجاری ناشی از رقابت در حوزه اقتصاد با تأکید بر حوادث رخ داده در آرژانتین، ملاحظات امنیتی و محظورات اجتماعی، پرداخته است. سومین بخش به پدیده بمب‌گذاری اختصاص دارد و مؤلف در دو فصل، ضمن معرفی گونه‌های مختلف این عمل به شیوه‌های مقابله با آن اشاره کرده است؛ در بخش چهارم با سه فصل، مقوله هواپیماربایی با شیوه‌ای مشابه با قبل، به بحث درمی‌آید و پنجمین بخش که دربرگیرنده سه فصل می‌باشد، ضمن مرور به کلیات روش تروریستها و راههای مقابله با آنها، نتیجه‌گیری‌ای کلی به خواننده عرضه می‌کند.

این مدعا مؤلف شواهد متعددی به ویژه از کشورهای غربی و به طور مشخص از انگلستان به دست می‌دهد تا از این طریق اذهان مردم انگلیس را بتواند نسبت به این پدیده حساس روشن سازد و آنها را در برابر تروریسم ایمنی بخشد. به نظر نویسنده یکی از دلایل ضرورت در بازیابی تروریسم اطمینان از این است که کیفیت زندگی و آزادیهای ما، همانند بعضی از کشورهای آمریکای لاتین - کاسته نشده است، چیزی که حامیان تروریسم، به دنبال آن بودند.

آن چه در بالا آمد جوهره و فرضیه اصلی مباحث گسترده مؤلف در کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد؛ کتاب دارای چهارده فصل و در قالب پنج بخش به شرح زیر سازماندهی شده است:

بخش اول مشتمل بر یک مقدمه مفصل و تحلیلی درخصوص جنگهای چریکی و مظاهر خشونت‌آمیز آن در سطح شهرها از قبیل بمب‌گذاری و هواپیماربایی، ترور و... می‌باشد.

دومین بخش به انگیزه‌های اصلی

● Schellenberg, James, *The Science of Conflict*,
New York, Oxford University Press, 1982.

● علم مبارزه

جیمز ای. شلنبرگ در "علم مبارزه" به تحلیل مقوله مهم "مبارزه" در حکم یک موضوع علمی پرداخته است. مؤلف در مقدمه کتاب، جهت تبیین اهمیت موضوع، چنین اظهار داشته است که: یک دانشجوی دانشگاه لانکاستر انگلستان، می تواند به راحتی مدرک خود را در مطالعات "صلح" بگیرد ولی برای دانشجوی آمریکایی لازمه فارغ التحصیلی در این رشته، مطالعه موضوعاتی از قبیل "شورش و ضدشورش" ها، "علم اقتصاد و ارتباط آن با خلع سلاح" و "برداشت‌های سیاست‌گذاران دیپلماسی از بحرانهای بین‌المللی" می باشد. به عبارت دیگر مقوله نزاع به صورت یک موضوع بین رشته‌ای درآمده که برای تحلیل آن توجه به تمامی آنها ضروری می نماید. به همین خاطر است که هر ساله، مؤسسات، نهادها و دانشگاههای بیشتری، رشته تخصصی خود را به جنگ، مبارزه و درگیری اختصاص می دهند. کتاب حاضر قصد آن دارد تا به

مفاهیم اصلی، یافته‌های تحقیقاتی و کلیدی و سؤالات مهمی پردازد که در این باره مطرحند. شیوه تحلیل در این کتاب میان رشته‌ای بوده و گستره وسیعی از پژوهشهای مربوط به مبارزه را در بر می گیرد. از نظر نویسنده کتاب، پژوهشهایی از این قبیل، همت جمع کثیری از دانشمندان علوم اجتماعی اعم از مردم‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی، تاریخ‌نگاران و اقتصاددانان و دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی را می طلبد تا حقیقت موضوع بهتر از قبل برای ما آشکار گردد. فصول پانزده گانه کتاب دو جنبه مهم را پوشش می دهد: (۱) بررسی پیشرفتهای مهم در زمینه تئوری و تحقیق، (۲) تقریر بعضی از آثار برجسته و نتایج جدید به دست آمده.

با توجه به شیوه تحلیل کتاب؛ نویسنده نهایت سعی و تلاش خود را به کار برده تا از طرح هرگونه نظرگاه عقیدتی خاصی خودداری نماید؛ به گونه‌ای که می توان ادعا کرد، مؤلف توانسته در مجموع از درافتادن به وادی دیدگاههای جانبدارانه و یا تلاش برای

اثبات پیش‌فرضهای مشخص دوری جوید، ترهاوت (Terre Haute) در مقدمه کوتاهی بر کتاب، چنین اظهار داشته است: "با وجود آن که نویسنده سعی کرده در این کتاب از شیوه‌های مختلف بهره‌گیرد، لکن وسعت دامنه آنها اجازه کنترل بحث را به او نداده، از این‌رو برای آن که انسجام و وحدت موضوعی کتاب برای خواننده آشکار گردد، مضمون اصلی رویکرد مؤلف را می‌توان به اختصار واقع‌گرایی اجتماعی (رنالیسم اجتماعی) لقب داد. او سپس برای تبیین این محور اصلی در بحث شلنبرگ چنین توضیح می‌دهد که: به عقیده من، اغلب اوقات از درک علت مبارزات، ناتوان می‌مانیم و همیشه نیز بسیار ساده‌انگارانه، این مبارزات را حاصل مقاصد پلید سردمداران کج‌اندیش برمی‌شماریم که خود به تنهایی، سد راه صلح و عدالت در جهانی آرمانی شده‌اند. و شاید این ساده‌انگاری از کم‌توجهی به مبارزاتی ناشی گردد که برای کسب منافع و مصالح مختلف در زندگی اجتماعی وجود دارد.

درک حقیقت‌گرایانه مبارزات نیازمند رویکرد مشخصی نیست. محدود شدن به شیوه‌ای خاص تنها باعث می‌گردد که

۳۲۵ بسیاری از مجهولات در مورد مبارزات بدون پاسخ باقی بمانند. آن چه در این کتاب در مطمح نظر قرار گرفته، پیوند دادن "تجربه‌گرایی نه چندان واقع‌بینانه" به "حقیقت‌گرایی اجتماعی" است که مضمون بنیادین اثر حاضر را به وجود می‌آورد.

فصول پانزده‌گانه کتاب در سه بخش اصلی به شرح زیر سازماندهی شده‌اند: بخش اول مقدمه کتاب را دربرمی‌گیرد که مؤلف در آن، ضمن طرح مقوله نزاع، زیر عنوان یک رشته علمی تازه به بررسی متون موجود در این زمینه می‌پردازد. بخش دوم به بررسی زیرساختهای تئوری نزاع اختصاص دارد و طی سه فصل مستقل، دیدگاه سه تن از اندیشه‌مندان مطرح در این زمینه به بحث گذارده شده است که عبارتند از: (۱) چارلز داروین و دیدگاه زیست‌شناختی او به تهاجم، همچون یک پدیده طبیعی (۲) آدام اسمیت و روان‌شناسی اجتماعی مبارزات (منفعت‌طلبانه ۳) کارل مارکس و جامعه‌شناسی مبارزه.

بخش سوم این کتاب به معرفی مطالعات منتخب از مبارزه خشونت‌آمیز می‌پردازد که تاکنون عرضه گردیده‌اند. مؤلف طی فصول سه‌گانه این بخش،

مطالعات موردی به عمل آمده در زمینه جنگ و نزاع را مختصراً معرفی می‌نماید.

بخش چهارم با عنوان "استراتژی در مبارزه" سه فصل به شرح زیر را دربرمی‌گیرد:

۱- سنت ماکیاوولی در تحلیل منازعه

۲- تئوری بازیها و مقوله بروز

منازعات

۳- علم استراتژی (که به ضرورت

برخورد استراتژیک با مقوله نزاع،

اختصاص دارد)

پنجمین بخش از کتاب با چهار فصل به بررسی راه‌حلهای منازعه می‌پردازد که مذاکره، انواع چانه‌زنیها، عقد قراردادها و تأکید و دست یازیدن به عقل جمعی را شامل می‌شود. عناوین فصول چهارگانه این بخش عبارتند از:

۱- سازوکار چانه‌زنی و حل منازعه

۲- انواع مختلف راه‌حلهای قانونی و

حقوقی

۳- حل منازعات با تمسک به مبانی

استدلالی و عقلی

۴- در جستجوی صلح.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

● Kakar, Sudhir *The Colors of Voilence: Cultural Identities, Religion and Conflict*, Chicago and London, The University of Chicago Press, 1996.

● گونه‌های خشونت: هویت‌های فرهنگی، مذهب و نزاع
 سودیر کاکار متخصص در تحلیلهای روان‌شناسانه در دهلی می‌باشد و دوره تحصیلی خود را در مؤسسه زیگموند فروید (در فرانکفورت) طی کرده است؛ در پی آن برای مدت قابل توجهی (از جمله دوره ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵) در دانشگاه‌های مختلف آمریکا حضور علمی و فعالیت داشته است. انتشارات دانشگاه شیکاگو، پیش از این، دو عنوان کتاب دیگر از او منتشر ساخته که عبارتند از: "شمن‌ها، اسطوره‌ها و دکترها" (۱۹۸۲) و "تجزیه و اسطوره" (۱۹۹۱). کتاب "گونه‌های خشونت: هویت‌های فرهنگی، مذهب و نزاع" در حقیقت تحلیل روان‌شناختی یک تحلیلگر روان‌شناس در مورد فرق مذهبی، آشوب و اختلاف میان آنها، قربانیان آنها (مسلمانان و هندوها)، تشکیل موجودیت جدید هندوها و موجودیت بنیادگرایان مسلمان و سرانجام نیز کشمکش مذهبی در دنیای

امروزه را دربرمی‌گیرد که مجموعاً در هشت فصل و در حجمی بالغ بر دویست صفحه آمده است. پرداختن به پدیده کشمکشهای مذهبی بسیار پیچیده است چرا که عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و حتی روان‌شناختی را دربرمی‌گیرد.

نویسنده کتاب رویکرد جدیدی را که همان رویکرد روان‌شناختی است جهت تبیین و تحلیل این نوع کشمکش به کار برده است. مطالعه وی که در مورد شهر حیدرآباد (موقعیت اجتماعی و تاریخی این شهر و روابط مسلمانان و هندوها) بوده است، وی را بر آن داشته تا در مورد جنبه‌های مختلف کشمکش میان گروه‌های مذهبی نیز اظهار نظر نماید. وی می‌گوید: نظر شخصی‌ام، در مورد مسائل مذهبی و کشمکشهای متعاقب آن میان مسلمانان و هندوها مرا بر آن داشته تا نظرگاه مذهبی / قومی و فرهنگی آنها را در زیرمجموعه یک نظرگاه مذهبی، قومی و فرهنگی "جمعی" بیاورم. این خودانگاره

(تصوری که شخص از خود در ذهنش دارد) از نسلی به نسل دیگر و از اسطوره‌شناسی، تاریخ، آرمانها و ارزشها و نمادهای فرهنگی مشترک یک گروه به گروه دیگر انتقال می‌یابد.

به نظر او موجودیت هر گروه را می‌توان قسمت گسترش یافته تجربه شخصی افراد دانست و البته شدت این تجربه، بسته به افراد و زمان تفاوت می‌کند. خلاصه هر نوع صدمه به منافع گروه، صدمه به غرور و افتخار گروه و در نتیجه آسیب به هویت تک تک افراد است. از این نظرگاه شواهد موجود از کشمکش میان مسلمانان و هندوها، دلالت بر آن دارد که آنچه اختلاف میان آن دو را منطقی جلوه می‌دهد و آنها را به سوی مبارزه با یکدیگر سوق می‌دهد، الگوهای اخلاقی مبتنی بر پذیرش وجود "گروه دیگر" یا "آنها" است و همین "آنها" است که کشتار، تجاوز، غارت و آتش زدن را برای آنان موجه جلوه می‌دهد. در این کتاب، درباره تاریخچه اختلاف مسلمانان و هندوها و آغاز جدایی آنها در عید سال ۱۹۴۷ و ترکیب گروههای مذهبی و خشونت‌های مربوطه و در نتیجه گروههای مردمی آشوبگر بحث شده است. در فصل سوم کتاب به "اعضای فعال خشونت" یا

"پهلوانها" و "داداها" اشاره شده که چگونه خشونت را نهادینه کرده و به اجرا می‌گذارند. همچنین نگرش آنها به مقوله خشونت مذهبی به بررسی درآمده و سعی شده است تا مضامین مشترکی از این خشونت‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری به کار گرفته شود. در فصول چهارم و پنجم به بررسی وضعیت قربانیان این شورشها پرداخته شده است و دو گروه مسلمان و هندو به تفکیک طرح و تحلیل شده‌اند. در فصل پنجم به واکنشهای مختلف هندوها و مسلمانان و در نتیجه، بحث اخلاقی از خشونت توجه شده است.

در فصل ششم، تأثیر فرهنگی - اجتماعی مدرنیزاسیون در تحمیل موجودیتهای گروههای بنیادگرا به بررسی درآمده است، در این فصل بیشتر اظهارات هندوها مورد استناد و تحلیل واقع شده است؛ بنابراین مؤلف در فصل هفتم برای پرهیز از یک سویه‌نگری به طرح و تحلیل مطالب مکتوب و شفاهی رهبران مسلمان در هند پرداخته تا ساختار روان‌شناختی موجودیت بنیادگرایان مسلمان را تشریح نماید. در فصل آخر نیز انواع تهدیدهای موجود را که برخاسته از عرصه فرهنگی - اجتماعی است به طور خلاصه بررسی

۳۲۹ در مجموع اثر حاضر اگرچه در نهایت نتوانسته تحلیلی غیرجانبدارانه را به نمایش گذارد ولیکن از آن حیث که به شکل موردی به بررسی گونه‌های خشونت با تأکید بر مصادیق بارز آن در هند پرداخته، از حیث روش تحلیل اثری حائز اهمیت می‌باشد.

می‌کند تا تصویر درستی از موجودیتهای فعلی به دست دهد. در این بخش به گسترش این جنبه از دو موجودیت توجه شده تا شاید برای رهایی از خشونت بالقوه آن دو و نقشی که مذهب در تسهیل گسترش فرهنگی - اجتماعی ایجاد می‌کند شرایطی فراهم آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

● Gilbert, Paul, *Terrorism, Security And Nationality*,
London & New York, Routledge, 1994.

● تروریسم، امنیت و ملیت

کتاب "تروریسم، امنیت و ملیت" اثر پل گیلبرت، در حقیقت مقدمه‌ای بر فلسفه سیاسی کاربردی است. سؤالات همیشگی فلسفه سیاسی این است که یک جامعه سیاسی باید شبیه چه چیزی باشد، چگونه در آن عدالت به وجود آید و تا چه درجه‌ای از تساوی و مساوات با چه درجه‌ای از آزادی سازگاری دارد. مهم‌تر از تمامی این پرسشها، این سؤال پیش می‌آید که "یک جامعه سیاسی چیست؟" در این میان، احزاب سیاسی نیز می‌خواهند تا بر سر جامعه‌ای اتفاق نظر داشته باشند اما آن چه از لحاظ سیاسی توافقی بر آن حاصل نشده مربوط به تشخیص جوامع سیاسی متمایز از لحاظ متافیزیکی است. آن چه این کتاب از لحاظ متافیزیکی به آن پاسخ می‌دهد، درباره کشمکش قانونی، علل ملی‌گرایانه و نیز درباره خشونت است که این علل ملی‌گرایانه، پدیدآورنده آن هستند. به همین خاطر نیز بی آن که بدانیم برای نگهداشتن این نوع از جوامع سیاسی چه باید کرد، نیازمند

شیوه‌های تئوریک و عملی، هردو هستیم. رویکردی که در این کتاب اتخاذ شده، شیوه عملی است. اولین موضوعی که به آن می‌پردازد این است که چگونه ناهماهنگیهای فلسفی می‌تواند کشمکشهای سیاسی در پی آورد، به همین خاطر نیز به شناخت و ارزیابی فرضیه‌های مفهومی - گاه اندیشه‌مندانه و گاه منتقدانه - می‌پردازد. بعد دیگری که این کتاب به آن پرداخته مفاهیم فلسفی است که از رفتاری سیاسی ناشی می‌شود که آن مفاهیم را عملی سازد، اگر این رفتار در قالب تعابیری بیان گردد که هیچ جایی در تفکر عاملان ندارد چندان غافلگیرانه نخواهد بود.

هدف این کتاب، شناخت رفتاری است که اگر الگوی منطقی نهفته در آن را از نو بسازیم، در ظاهر بسیار غیرمنطقی خواهد بود. در بعضی موارد نیز به تعابیری می‌انجامد که عاملان به این رفتار در مباحث خود، اعتراف داشته‌اند نقش مؤثری داشته‌اند. هدف این کتاب نه تنها شناخت بلکه نقد و ارزیابی "عملی بودن" الگوی منطقی

است که در رفتارهای سیاسی ذکر آن رفت و نیز بیان گزینه‌های دیگر می‌باشد. شناخت و انتقاد ممکن تا جایی است که به این سؤال گسترده فلسفی پاسخ گوید: که آیا فرضیه‌های واگرد درباره ماهیت جوامع سیاسی و نیز (درباره) محدودیت‌های عملکرد سیاسی با یکدیگر متناسبند یا خیر. شیوه نویسنده این کتاب این است که پاسخ صریحی به این پرسش ندهد و در عوض تفاوت‌های ناسازگار موجود در نقش‌های متضاد عوامل سیاسی را که به دنبال کسب قدرتند، در پیش چشم خواننده مجسم سازد. این کتاب با بحث درباره شکلی از رفتار سیاسی آغاز می‌شود که مظهر و تجلی این پدیده حل ناشده (تروریسم) می‌باشد. پدیده‌ای که گاه آن را جنگ و گاه جنایت می‌خوانند. دوگانگی تروریسم و این که چرا افرادی که حتی از مجامع سیاسی و محافل مختلف می‌شود به آن پناه می‌برند، سؤالی است که همواره به انواع مختلف در این کتاب آمده: آیا تاکتیک، قانونی است که باید در دفاع از یک جامعه سیاسی به کار گرفته شود؛ یا یک نوع رفتار است که هر جامعه‌ای باید به خاطر تهدیدکنندگی‌اش، مجاز به سرکوب آنست، آن چه مهم است،

پاسخ‌های مشخصی نیست که به این سؤالات داده می‌شود بلکه دغدغه‌خاطر دیگری است و آن درباره خشونت‌های پیش‌بینی‌ناپذیر است که یا دولت‌ها و یا مخالفان‌شان، آن را چونان تهدیدی بر نظم اجتماعی، اعمال می‌کنند.

هر سازمان سیاسی، خواستار به دست آوردن نظم اجتماعی است. جوامع سیاسی، جوامعی قومی‌اند که حوزه هویتشان در ظرفیت آنها برای ایجاد یک زندگی خوب و مشترک می‌باشد، چه یک ملت بتواند به صورت قومی عمل کند و یا نکند باید سؤال از هویت یک ملت، مهم‌ترین سؤال باقی بماند. کتاب دارای یازده فصل به شرح زیر است:

- ۱- مقدمه
- ۲- تروریسم و جنگ ناعادلانه
- ۳- تروریسم و جنگ‌های داخلی
- ۴- تروریسم و جرایم سیاسی
- ۵- جماعت و ستیزه
- ۶- ادله خشونت
- ۷- تروریسم و ملیت
- ۸- قومیت و هویت ملی
- ۹- ترور و دولت
- ۱۰- خشونت دولت
- ۱۱- واکنش دولت به خشونت

● Alexander, Yonah (Editor), *Middle East Terrorism: Current Threats and Future Prospects*, England, Dartmoath, 1994.

● تروریسم خاورمیانه

"تروریسم خاورمیانه: تهدیدهای جاری و چشم اندازهای آتی" قصد بیان آن دارد که چرا در خاورمیانه، تروریسم تا این اندازه جذاب، مؤثر و بلندمدت است. در این کتاب نهادینه گسی، خشونت بار شدن و نیز جهانی گشتن تروریسم، به دوره پس از جنگ جهانی دوم بازگشت داده شده است. باید گفت، عوامل چندی در تشدید تروریسم در این منطقه نقش داشته‌اند از جمله: پیشرفت سریع در فن آوری مدرن، وسایل ارتباطی و مسافرت‌های کم خرج و راحت و احیای گرایش‌های ناسیونالیستی در مقابله با استعمارگران خارجی. اگرچه وجود برخی از شرایط سیاسی و اجتماعی، کشورهای منطقه را به ناچار به سوی تروریسم سوق می‌دهد، ولیکن نباید از رفتار کشورهای مقابل نیز غفلت ورزید. در مجموع مؤلفان ضمن اعتراض به دو بعد قضیه تروریسم در خاورمیانه، در نهایت امر، با جانبداری از کشورهای مداخله‌گر،

سعی در محکوم کردن کشورهای منطقه، زیر عنوان بازیگران اصلی تروریسم دارند. مهمترین انتقاد وارده بر اثر حاضر نیز همین است که در مقام بررسی پدیده تروریسم در خاورمیانه یکسویه عمل کرده و ضمن انتساب آن به گروه‌های خاص، به پشتیبانی از دیدگاه مسلط جهانی پرداخته است. کتاب دارای ده بخش به شرح زیر است: بخش اول: تجارب گذشته خاورمیانه در خصوص تروریسم، مشتمل بر دو مقاله در خصوص کاربرد خشونت در خاورمیانه و مطالعه موردی رفتار سیاسی کشور سوریه.

بخش دوم: تهدیدهای فعلی و آتی در خاورمیانه، مشتمل بر دو مقاله در خصوص تحلیل رفتار سیاسی ایران و تهدیدات ناشی از کاربرد سلاح‌های شیمیایی در منطقه.

بخش سوم: فلسطین و بروز رفتارهای تروریستی، مشتمل بر دو مقاله در خصوص تحلیل رفتار سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین و ترورهای

به عمل آمده بر ضد ایشان.

بخش چهارم: گروه‌های بنیادگرای اسلامی، مشتمل بر شش مقاله در خصوص بررسی نسبت رفتارهای خشونت‌آمیز و باورهای عقیدتی در حوزه اسلام.

بخش پنجم: گروه‌های تروریستی مسیحی، مشتمل بر سه مقاله که به بررسی رفتار گروه‌های مسیحی می‌پردازد.

بخش ششم: گروه‌های تروریستی یهودی مشتمل بر یک مقاله که از اهداف، روشها و انگیزه‌های یهودیان توسل به تروریسم سخن می‌گوید. بخش هفتم: تروریسم دولتی، مشتمل بر دو مقاله در خصوص

رفتارهای تروریستی دول منطقه.

بخش هشتم: تهدیدهای تروریستی خاورمیانه در قبال مسایل مناطق، مشتمل بر دو مقاله که به بررسی وضعیت اروپای غربی و آمریکا از این بعد می‌پردازد.

بخش نهم: واکنش منطقه‌ای به رفتارهای تروریستی که مشتمل بر سه مقاله بوده و به اقدام‌های پیشگیرانه و حمایتی اشاره دارد.

بخش دهم: واکنش بین‌المللی به رفتارهای تروریستی در منطقه که مشتمل بر چهار مقاله بوده و اقدام‌های پیشگیرانه و حمایتی بین‌المللی را بررسی و نقد کرده است.

● Weinberg, Leonard (Editor), *Political Parties & Terrorist Groups*, Frank Cass, 1992.

همچنان معتقد است که احزاب به واسطه گستردگی سازمانهایشان طبقه بندی می شوند.

دامنه حضور هر یک از این احزاب در خشونت‌های سیاسی می تواند از گروه‌های شبه نظامیان سازمان یافته‌ای که به دشمنان حزب حمله می کنند، یا در برابر تهدیدهای احتمالی رقبای حزبی، از آن دفاع می کنند گرفته تا سازمان‌های حزبی که یگانهای ویژه‌ای برای مبارزات خشونت آمیز ایجاد کرده اند، تفاوت کند. در این کتاب از استرالیا و ایتالیا به مثابه دو کشوری که سیاست‌های حزبی آنها باعث ایجاد شبه گروه‌های نظامی می شود، یاد شده است. خلاصه کلام آن که هرگاه حکومت‌های اروپایی دستشان از قدرت کوتاه می شد، اقدامات خشونت بار آنان نیز به پایان می رسید.

احزاب مختلف سیاسی (فاشیست، کمونیست، افراطی قومی یا بنیادگرایان مذهبی) که ایدئولوژی‌های مختلفی دارند، هیچ گاه ارزشهایی چون احترام به روند دموکراتیک را مهم نمی شمارند. نظام‌های حزبی که از قطب بندی

● احزاب سیاسی و گروه‌های تروریست
آن چه را که وینسبرگ در کتاب "احزاب سیاسی و گروه‌های تروریست" هدف و مطلوب خویش می داند، چگونگی تشکیل سیستم چندحزبی در نتیجه اشاعه دموکراسی است که به دنبال آن انتخابات آزاد صورت گیرد. رابطه میان دموکراسی و سیاست‌های احزاب رقیب نیز در این کتاب به بحث درآمده است. یکی از فواید دموکراسی به زعم مؤلفان این است که سازوکارهایی برای راه حل مسالمت آمیز کشمکش‌های سیاسی از طریق مذاکره و مصالحه فراهم می آورد. هدف از گردآوری این مجموعه این بوده تا رابطه میان احزاب سیاسی و خشونت تروریستی مشخص گردد. دو مقاله این کتاب دارای اهمیتند: یکی مقاله دوورژر و دیگری مقاله آن گیفمان.

دورژر درباره زندگی سازمان یافته احزاب سیاسی و این که چگونه این احزاب با توجه به تداوم فعالیت‌های خود و نیز حضور در خشونت سیاسی با هم تفاوت دارند، سخن می راند. وی

۳۳۵ روش‌های بی‌شماری وجود دارند که طی آنها احزاب سیاسی و تروریسم سیاسی با هم تلاقی پیدا می‌کنند. (۱) واضح‌ترین مورد، وضعیتی است که در آن، حزب مسانند یک سازمان، اهدافش را از طریق خشونت تروریستی و در انواع مختلف آن به شکل ادواری، دنبال کند.

(۲) همان‌طور که احزاب از تروریسم استفاده می‌کنند، گروه‌های تروریستی بسیاری نیز می‌توانند از "سیاست حزبی" بهره‌برند؛ یعنی آن که برای تعقیب اهداف خود "جناح‌های سیاسی" تشکیل دهند (مثلاً از طریق روند انتخاباتی).

(۳) احزاب سیاسی در معرض "جناح‌گرایی" قرار دارند؛ در بسیاری از موارد اگر کشمکش جناحی در یک حزب جدی شود، مخالفان از حزب خارج می‌شوند تا حزب دیگری تشکیل دهند. اما در بیشتر موارد، مخالفان به جای آن که یک حزب جدید تشکیل دهند، به خاطر جو نامساعد انتخاباتی، دست به تشکیل سازمانی تروریستی می‌زنند تا به اهداف خود دست یابند. حضور احزاب سیاسی در فعالیتهای تروریستی هرگز پدیده جدیدی نبوده است.

افراطی در میان مخالفان خود برخوردار بوده و خواسته‌های آنها از دولت منطقی نیست و با دولت کنار نمی‌آیند، به یک نوع ذهنیت "نزاع تا سرحد مرگ" اعتلا می‌بخشند که به‌طور طبیعی استفاده از ابزاری چون خشونت از آن سرچشمه می‌گیرد.

حضور حزبی یا واکنش سیاسی خشونت‌آمیز که مسأله‌ای بس خطیر است، گاه با فقدان مشروعیت و شکست‌های بعدی رژیم‌های دموکراتیک همراه گردیده است.

تعبیری که از تروریسم در این کتاب و در نگاه نخست می‌بینیم این است: نوعی خشونت که گروه‌های مخفی صورت می‌دهند. یا به عبارتی اقدامات تروریستی حاصل تلاش گروه‌هایی است که هم کوچکند و هم عمر کوتاهی دارند. از طرفی "حزب سیاسی" سازمان‌هایی را خاطر نشان می‌کند که عمری طولانی دارند، بزرگند و بسیار مشخص. لکن این کتاب قصد دارد بگوید اقدامات این احزاب به ظاهر کوچک است که می‌تواند بزرگ باشد. تروریسم را که یکی از اقسام و انواع خشونت است نه تنها نباید جزء منفکی از آنها دانست بلکه باید ضرورت اقدامات آنها به شمار آورد.

"تروریسم در فرهنگ سیاسی ارمنستان جدید" عنوان مقاله‌ای درباره (ای آر اف) فدراسیون انقلابی ارمنیهاست. نظر نویسنده مقاله درباره تروریسم این نیست که تروریسم حتماً باید سازماندهی شده باشد بلکه هر اقدام خشونت‌باری را که بتوان در مواقع مختلف به آن دست زد و یا از آن دست کشید، تروریسم می‌نامند.

مقاله دیگری که در این کتاب آمده تحت عنوان "جنبه‌های تروریسم روسیه قرن بیستم" به توجیه عملکرد "سازمان مبارزه" می‌پردازد و یکی از مؤلفه‌های مهم حزب انقلابی سوسیال (پی.اس.آر) می‌باشد که در زمان تزار روسیه و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ فعال بود. "سازمان مبارزه" که یک واحد حزبی است وظیفه ترور افسران تزار را برعهده داشت و در نتیجه انجام گرفتن این وظیفه، طبقات کارگر برای انقلاب آماده خواهند شد. تمایل اعضای این سازمان این بود که از اهداف حزب اصلی خود فاصله بگیرند و غایت آرزوی آنان نیز توسل به خشونت تروریستی بود.

"دردسرای ایرلند شمالی"، بمبهای صندوقهای رأی، "تروریسم و روند انتخاباتی در ایرلند شمالی" یکی از دیگر مباحث مورد بحث این کتاب

است؛ تشکیل ارتش جمهوری خواه منطقه‌ای ایرلند (پی. آی. آر. آی) برای استفاده از شاخه سیاسی - نظامی آن "شین فین" در رقابت با احزاب کارگر و سوسیال دموکرات را، فقط دولت انگلستان نامشروع قلمداد می‌کند. رهبران این احزاب اعتراف می‌کنند که مبارزه انتخاباتی تأثیری چون بمب‌گذاری داشته است. به نظر می‌رسد، کشمکش جناحی در احزاب سیاسی، فقط آب گل آلود را برای ماهی گرفتن گروههای تروریستی مهیا می‌کند. در این کتاب به جنبه‌های دیگری از احزابی چون "بی آر" (گروههای سرخ) ایتالیا، "پی سی آی" (حزب کمونیست ایتالیا)، "حزب کمونیست پرو" و "گروههای چریکی کلمبیا" پرداخته شده است. این کتاب بر آن بخش از تروریسم سیاسی مربوط می‌گردد که در زمینه احزاب سیاسی است و در آن به بعضی از گروهها و وظایف خاصی محول شده که از حوزه سیاست حزبی تا خشونت تروریستی و سیاست انتخاباتی متغیر است. فصل آخر این مجموعه، در توضیح تروریسم با اشاره به تغییرات موجود در سیستم حزبی است. نباید از نظر دور داشت که همواره سیاستهای حزبی در کشورها تحت تأثیر خشونت

خصوص یک گروه تروریستی

کمونستی، به قلم: هازلتون

- مقاله پنجم: گروههای چریکی مبارز در

کلمبیا، به قلم: واتسون

- مقاله ششم: تروریسم و انتخابات در

ایرلند شمالی، به قلم: گولیک و اسمیت

- مقاله هفتم: تروریسم و تغییرات

حاصله در سیستم حزبی، به قلم:

وینسبرگ و ایوبنک

بوده و هست. کتاب دارای یک مقدمه و

هفت مقاله به شرح زیر می باشد:

- مقاله اول: تروریسم در فرهنگ سیاسی

ارمنیها، به قلم: تولویان

- مقاله دوم: ابعاد تروریسم روسی در

طلیعه قرن بیستم، به قلم: آنا جیف من

- مقاله سوم: ایدئولوژی و تروریسم در

ایتالیا، به قلم: ریچارد درک

- مقاله چهارم: مطالعه موردی در



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی